

## دموکراتیک، سوسیالیستی و اجتماعی مردم ایران

تفسیر خبر

### رشد ۲۴۰ درصدی اعتراضات و تجمعات کارگری در سال اخیر در استان مرکزی

از ابتدای سال ۹۶ اعتصابات مزدبگیران ایران در مراکز بزرگ و کوچک کاری به شکل چشمگیری افزایش پیدا کرده است. با تمامی بوق و کرنایی که صاحبان قدرت و ثروت بیست و چهار ساعته در شیپورهای تبلیغاتی خود می‌دمند که دولت یازدهم توانسته است تورم را تک رقمی کند، اما این پایین آمدن تورم در زندگی روزمره مردم سرزمین ما قابل لمس نیست. موسوی لارگانی نماینده فلاورجان در مجلس و عضو کمیسیون اقتصادی اعلام کرد: «تورم تک رقمی سنخیتی با گرانی بازار مواد غذایی ندارد. علی‌رغم اینکه دولت، ادعای کاهش تورم را دارد و اعلام می‌کند تورم تک رقمی شده است اما نرخ مایحتاج عمومی و روزانه غذایی شهروندان از جمله گوشت، مرغ، تخم مرغ و لبنیات رو به افزایش است.»

اینک ۹۳ درصد مزدبگیران ایران با قراردادهای موقت یک تا سه ماه مشغول به کار هستند و ۷۵ درصد مشمولین قانون کار دوشغله هستند. دستمزدهای معوقه، حق بیمه‌های پرداخت نشده، پیمانکاران، اخراج، تعدیل نیرو، تعطیلی کارخانه و... از اصلی‌ترین موضوعات اعتراضی کارگران به همراه بعضاً خانواده‌هایشان بوده است که در ماه‌های اخیر به مراتب بیشتر از سالهای قبل مشاهده شده است. آنان سعی کرده‌اند در داخل کارخانه، مقابل فرمانداری یا استانداری، در میدان شهر و به هر طریقی که شده صدای اعتراض خود را به گوش همه برسانند تا بعضاً به بخشی از مطالبات خود برسند. با اینکه این خواسته‌ها، خواسته‌های برحق مزدبگیران ایران می‌باشد ولی صاحبان قدرت و ثروت هم به طرق مختلف سعی کرده است صدای آنان را خاموش کنند، از جمله: بازداشت و زندانی کردن کارگران فعال، شکایت کارفرمایان از فعالین کارگری، ورود نهادهای قضائی در اعتصابات کارگری، شلاق زدن کارگران، تهدید و اخراج فعالین کارگری و...

با شروع سال جدید اعتصابات و اعتراضات مزدبگیران ایران بعضاً شکل جدیدی نیز به خود گرفته است، در اعتصابات امسال نمونه‌های زیادی از اعتصابات وجود دارد که طول زمان آن یک روزه نیست، بلکه طول زمان این اعتصابات افزایش یافته است که در سال‌های قبل این موضوع به چشم نمی‌خورد و یا اینکه مزدبگیران ایران توانسته‌اند با دادن فراخوان به همکاران خود، اعتراض سراسری خود را سازماندهی کنند. آمار و اطلاعات دقیقی در باره همه اعتراض‌های کارگری در دست نیست، اما سردار کیومرث عزیزی فرمانده انتظامی استان مرکزی در جمع خبرنگاران گفت: «از ابتدای امسال تاکنون ۱۱۸ مورد تجمع در سطح استان داشته‌ایم که این میزان نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲۴۰ درصد رشد داشته است. عزیزی با اشاره به اینکه مسائل کارگری و اقتصادی حجم عمده‌ای از این تجمعات را به خود اختصاص داده بودند اظهار کرد: امیدواریم مسئولین دولتی با رفع مشکلات اقتصادی استان از برگزاری این گونه تجمعات در سطح استان پیشگیری کنند تا نیروی انتظامی انرژی خود را در سایر مباحث صرف کند.»

بحران طبقاتی در ایران از چالش برانگیزترین بحران‌های ساختاری در دهه اخیر می‌باشد. کما اینکه صدها اقتصاددان ایرانی در دوره انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم از طریق انتشار بیانیه‌های متعدد این هشدار را به حاکمیت دادند و نسبت به تعدد معضلات اقتصادی (مالی، تولیدی) همراه با اختلاس، فساد سیستمی، تورم و رکود، بیکاری و تعطیلی کارخانجات راهکارهای متعددی نیز مطرح کردند. با توجه به اینکه بیشتر کارخانجات و صنایع از یک طرف با کمبود منابع مالی و مواد خام و از طرف دیگر بدلیل واردات بی رویه همراه با تورم و عدم قدرت رقابت با اجناس خارجی در بازار مواجه هستند و در وضعیت نیمه فعال یا تعطیلی قرار دارند که نیروی کار خود را با مشکلات عدیده رها کرده‌اند. تنها نهادی که می‌تواند در این وضعیت به کمک و حمایت از آنان اقدام نماید، نهادهای صنفی هستند که خلاء آن در تمامی اعتراضات کارگری محسوس است.

در ایران تشکلهای کارگری مستقل به علت اجازه فعالیت نداشتن از طرف دولت، ضعیف هستند و بدین خاطر توان چانه‌زنی کارگران در اعتصابات و اعتراضات خود به خاطر نداشتن نمایندگان واقعی آنان به شدت پایین است و دست بالا را در این اعتراضات ندارند و تشکلهای زرد وابسته به دولت نیز - همچون خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار - به علت جایگاه خود، نسبت به خواسته‌های برحق مزدبگیران رغبتی نشان نمی‌دهند، تنها خود مزدبگیران و فعالین آنان هستند که می‌توانند با فعالیت جمعی خود حرکتشان را از صورت منطقه‌ای به سراسری تبدیل کنند تا بتوانند قدرت چانه زنی خود را بالا برده و به خواسته‌هایشان دسترسی پیدا کنند. در این رابطه سازماندهی حرکت‌های کارگری و تبدیل اعتراضات از درون به بیرون کارخانه می‌تواند راهی باشد برای اجتماعی کردن مطالبات کارگری و چنانچه این اقدام تداوم یابد، اتحاد با دیگر حرکت‌های اعتراضی کارگران اهرم فشاری خواهد بود تا جامعه کارگری با تکیه بر آن بیشتر به تحقق مطالبات متعدد خود نزدیک گردد.

**دستیابی به مطالبات صنفی بزرگترین خواست جنبش مزدگیران است**  
**تا زمانیکه طبقه کارگر ایران وارد فرایند «خود پیدا کردن اجتماعی» نشوند و به «خود آگاهی اجتماعی و طبقاتی» خود باور پیدا نکنند، نمی‌توانند وارد فرایند «سازمان‌گری شکل مستقل طبقاتی» بشوند.**



### حکم شلاق فعال کارگری شاپور احسانی راد

بر اساس دادنامه صادره از سوی شعبه ۱۰۱ کیفری ۲ دادگستری شهرستان ساوه، شاپور احسانی راد عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران به اتهام اخلاف در نظم عمومی به تحمل شش ماه حبس با قرار تبدیل به ۹ میلیون تومان وجه نقد و ۳۰ ضربه شلاق محکوم شد.



### تجمع وانت‌داران میوه فروش قم در اعتراض به مرگ همکارشان

یک میوه‌فروش قمی پس از مواجه شدن با ماموران سد معبر شهرداری قم جان خود را از دست داد. ماموران شهرداری قم در رابطه با مرگ این میوه‌فروش هر نوع درگیری بین ماموران سد معبر و فرد متوفی را تکذیب کردند و گفتند فقط به میوه فروش خاطی اخطار دادیم. در ادامه فوت این میوه فروش تعدادی از وانت‌داران میوه‌فروش در میدان میوه و تره‌بار قم تجمع کردند. تجمع‌کنندگان به مرگ میوه فروش قمی پس از مواجه با ماموران سد معبر شهرداری تهران معترض هستند. در این تجمع، میوه فروشان قمی، خواستار پاسخگویی مقامات شهرداری شدند. این معترضان که با در دست داشتن پلاکارد، خواستار توقف برخورد ماموران سد معبر شهرداری با فروشندگان شدند، می‌گویند: بایستی علت مرگ همکار ما به دقت مشخص شود و شهرداری در این زمینه به ما پاسخ بدهد. برادر میوه فروش گفته است که او را آنقدر زدند تا در دم جان داد!

### کارگران گروه ملی فولاد ایران در بیست و چهارمین روز اعتراضشان مقابل سرپرستی بانک ملی ایران در اهواز سفره خالی پهن کردند

کارگران گروه ملی فولاد ایران در بیست و چهارمین روز اعتراضشان نسبت به بلاتکلیفی شغلی و عدم پرداخت ماه‌ها مطالباتشان دست به پهن کردن سفره خالی مقابل سرپرستی بانک ملی ایران در اهواز زدند. یکی از کارگران گروه ملی فولاد ایران به خبرنگاران گفت: نزدیک به ۶ ماه است که حقوق‌های کارگران پرداخت نشده است. وی که خواست نامش در خبر ذکر نشود بیان کرد: صبح امروز برای چندمین بار به بانک ملی سرپرستی اهواز مراجعه کرده‌ایم ولی با درهای قفل شده آن مواجه شدیم. این کارگر تصریح کرد: بازگشایی مدارس نزدیک است و ما حتی توان خرید یک مداد یا پاک‌کن را برای فرزندمان نداریم چه برسد به مبالغ سنگینی که مدارس از ما می‌خواهند. وی تاکید کرد: الان ماها است که در هزینه درمان و خرج و مخارج عادی یک منزل مانند تهیه نان مانده‌ایم و نمی‌دانیم چه کنیم. وی گفت: کارگران این شرکت از ۲ ماه پیش اعتراضات خود را به مدیران شرکت اعلام کرده‌اند و مدیر عامل این شرکت به آن‌ها وعده ۱۰ روزه پرداخت حقوق را داد اما به گفته کارگرا هنوز این اتفاق میسر نشده است. قابل یادآوری است که دور جدید اعتصاب کارگران گروه ملی فولاد ایران در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و عدم پرداخت حقوق از روز ۲۹ تیرماه آغاز و تا به امروز ادامه یافت. طی بیست و چهار روز گذشته این کارگران در راستای دستیابی به مطالباتشان تجمعاتی در این واحد تولیدی، استانداری خوزستان، مقابل شعب بانک ملی و مصلاهی مهدیه شهر اهواز برپا داشتند.



### اعتراض کارگران فاز ۱۳ عسلویه در پی معوقات مزدی

کارگران فاز ۱۳ عسلویه نسبت به معوقات مزدی چندین ماهه خود و بی‌تفاوتی کارفرما معترضند. این اعتراضات در ماه‌های گذشته در قالب تجمعات صنفی شکل گرفت و امروز نیز شمار کثیری از این کارگران با گردهمایی در مقابل ورودی فاز ۱۳ اعتراض خود را به کارفرما (شرکت پترو پایدار ایران) اعلام کردند. به گزارش شاهدان عینی، دیگر نیروهای پیمانکاری این شرکت نیز به شمار معترضان پیوسته‌اند. همچنین گزارش شده به جز نیروهای ایمنی و آتش‌نشانی و درمانگاهی هیچ نیرویی در داخل فاز ۱۳ حضور ندارد. قرارداد توسعه فاز ۱۳ میدان گازی پارس جنوبی میان «شرکت نفت و گاز پارس» به عنوان کارفرما و کنسرسیومی متشکل از شرکت‌های پتروپایدار ایرانیان، مینا و صدرا منعقد شده است.

### بیکاری ۱۲۰ کارگر بستنی عسل کردستان



با تعطیلی کارخانه بستنی عسل در سنندج، ۱۲۰ کارگر این کارخانه قدیمی بیکار شدند. این کارگران بعد از شب عید دیگر به سر کار باز نگشتند و آنها اکنون نزدیک به پنج ماه است بیکارند. یکی از این کارگران می‌گوید: مگر در کردستان چند کارخانه است که اگر یکی تعطیل شد، برویم سراغ یکی دیگر و استخدام شویم؟ بستنی عسل که تعطیل شد؛ خانه‌نشین شدیم. سیدجمال ساعدی (مدیرعامل و سهامدار دو مجموعه بستنی عسل و کشت و صنعت برکت کردستان) نیز درباره دلایل تعطیلی کارخانه خود می‌گوید: ۱۲۰ پرسنل داشتیم؛ سال ۹۴ طرح توسعه مجتمع را به بهره‌برداری رساندیم، در کنار آن گاوداری هم زدیم که به بهره‌برداری رسید و ۵۰۰ رأس دام داشتیم. برای طرح توسعه نیز ۷۰ میلیارد تومان سرمایه‌گذاری کردیم و در ضمن قرار بود کارگروه حمایت از صنایع از صندوق توسعه ملی، ۴۰ میلیارد تومان به ما بپردازد که هنوز نپرداخته‌اند.

### کارگران با سابقه ۲۵ ساله با قرارداد موقت یک ماهه

علی بیگی رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور با بیان اینکه سامان دهی قراردادهای کار مطالبه بر حق کارگران است، افزود: قرارداد موقت کارگران را سلب کرده است، این قراردادها در حال حاضر بر نزدیک به ۹۳ درصد مناسبات بازار کار حاکم هستند و برای همین به دغدغه اصلی کارگران تبدیل شده‌اند. علی بیگی ادامه داد: امروز با کارخانه‌هایی مواجه هستیم که کارگران آن با ۲۵ سال کار هنوز با قراردادهای موقت یک ماهه تا سه ماهه کار می‌کنند. وی با تأکید بر اینکه هم اکنون نمایندگان صنفی کارگران در واحدهای تولیدی نیز همانند موکلان خود امنیت شغلی ندارند، تصریح کرد: وقتی نماینده کارگری با قرارداد یک ماهه و سه ماهه کار می‌کند چگونه می‌تواند از منافع صنفی کارگران حمایت کند.

### ۱۹۰ کارگر بلبرینگ سازی تبریز بیش از ۴ ماه مزد طلبکارند

پرداخت مطالبات مزدی و حق بیمه ۱۹۰ کارگر شاغل در کارخانه بلبرینگ‌سازی تبریز در استان آذربایجان شرقی بیش از ۴ ماه به تأخیر افتاده است. کارگران این واحد سازنده بلبرینگ می‌گویند از زمان خصوصی سازی محل کارشان در زمان دولت گذشته با مشکل کمبود نقدینگی مواجه هستند و برای همین تعویق سه تا چهار ماهه در پرداخت مطالبات آن‌ها به روال عادی تبدیل شده است. در این زمینه «چنگیز قاسمی» رئیس کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان آذربایجان شرقی با تأیید به تعویق افتادن دستمزد کارگران کارخانه بلبرینگ سازی گفت: مشکلات واحدهای صنعتی همانند بلبرینگ سازی تبریز از زمانی آغاز شد که این واحد صنعتی به بخش خصوصی واگذار شد. متأسفانه به دلیل اجرای غلط این قانون از حدود یک دهه قبل تاکنون مشکلات عمده‌ای متوجه امنیت شغلی و معاش کارگران شده است.



### معوقات مزدی کارگران فاز ۲۰ و ۲۴

#### عسلویه به سه ماه رسید

کارگران یکی از شرکت‌های پیمانکاری در فاز ۲۲ - ۲۴ عسلویه خواستار پرداخت معوقات مزدی خود شده‌اند. در این پروژه نزدیک به ۳۰۰ کارگر مشغول کارند اما مدیران این شرکت پیمانکاری از اردیبهشت ماه سال جاری به تعهدات مزدی خود در برابر آنها عمل نکرده‌اند. علاوه بر معوقات مزدی این کارگران خواهان همسان‌سازی دستمزد خود نسبت به کارکنان سایر شرکت‌ها حاضر در این فاز هستند.



### برگزاری تجمع اعتراضی متصدیان آب و فاضلاب روستایی ایوان

#### نسبت به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق

جمعی از متصدیان چاه‌های آب اداره آب و فاضلاب روستایی ایوان در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق و دیگر مطالباتشان مقابل این اداره تجمع کردند. یکی از تجمع‌کنندگان گفت: همه افرادی که در این مکان ملاحظه می‌کنید متصدیان چاه‌های آب روستایی شهرستان می‌باشند که از سوابق بالایی برخوردارند و از دل جان شبانه روز در راستای تأمین آب حوزه استحفاظی خود تلاش می‌کنند. وی گفت: با توجه به اینکه تنها درآمد این افراد از حقوق دریافتی از این نهاد تأمین می‌شود تاکنون مطالبات سال گذشته عیدی و پاداش و حقوق از ابتدای سال تا کنون را دریافت ننموده‌ایم. وی با اشاره به اینکه مراجعات مکرری در این راستا داشته‌ایم افزود: در راستای احقاق حق خود به مدیریت قبلی شهرستان و فعلی مراجعات زیادی داشته‌ایم حتی این مراجعات به مرکز استان نیز کشیده شده است و تاکنون نتیجه‌ای حاصل نشده است. تنها منبع درآمد ما که بوسیله آن ضروریات خود و خانواده را تأمین می‌کنیم فقط از این راه است.

## جنبش دانشجویی پیشگراول جنبش دموکراتیک در ایران است

دانشجوی

### بخشی از مطالبات دانشجویان

۱. توقف فوری اجرای طرح کارورزی.
۲. جلوگیری از اعمال سلیقه مدیران دانشگاهی در تضعیف انجمن‌های علمی دانشجویی.
۳. افزایش سنوات و کاهش شهریه.
۴. حذف فشارهای امنیتی بر پژوهشگران اجتماعی و فضای دانشگاهی.
۵. فعالیت شوراهای صنفی.
۶. توقف فشار بر نشریات دانشجویی.

### بیانیه اتحادیه انجمن‌های علمی دانشجویی علوم اجتماعی سراسر کشور مطالبات از وزیر آینده علوم، تحقیقات و فناوری

در بخشی از این بیانیه آمده که؛ جامعه‌ی دانشجویی کشور در چهار سال اخیر، علی‌رغم تمام وعده‌های داده شده از سوی دولت، شاهد استمرار مصائب گذشته و بروز مسائل جدیدی بوده است. از یکسو کاهش سنوات دانشجویان و پر کردن خزان دولتی با دستان خالی دانشجویان و از سوی دیگر بی‌تفاوتی در مقابل جریان‌های مداخله‌گری که از بیرون دانشگاه در حال بی‌خاصیت‌سازی و بریدن رگه‌های انتقادی علوم انسانی هستند، و همچنین بنا نهادن طرح «کارورزی» ای که هدفی جز استثمار نوع دانشجو ندارد. مهم‌ترین مطالبات دست‌کم بخش قابل‌توجهی از اصحاب علوم اجتماعی از این وزارتخانه را به شرح زیر به اطلاع می‌رسانیم. بدیهی است که برآورده شدن یا نشدن این مطالبات معیاری برای قضاوت در مورد عملکرد آن در سال‌های آتی خواهد بود.

#### ۱- توقف فوری اجرای طرح کارورزی؛

طرح کارورزی که پس از شکست طرح‌هایی همچون «استاد-شاگردی»، در دولت دهم تصویب شد، مجدداً در دولت یازدهم مورد بازنگری و تنظیم قرار گرفت. این در حالی است که دولت در تلاش برای تصویب لایحه اصلاح قانون کار، شکستی نسبی را متحمل شد، لایحه‌ای که این اتحادیه در آذر ۱۳۹۵ با برگزاری نشستی در دانشگاه تهران با حضور صاحب‌نظران نسبت به تبعات اجتماعی مخرب آن هشدار داده بود. اکنون پس از انتخابات دولت دوازدهم و از تیرماه سال جاری شاهد اجرایی شدن طرح کارورزی هستیم. طرحی که به نظر می‌رسد تحت لوای «اشتغال‌آفرینی» به دنبال تأمین نیروی کار ارزان و بی‌ثبات برای سرمایه‌گذاران است و پیامد آن افزایش ناامنی شغلی و تضعیف بیش از پیش فرودستان جامعه است. طرح کارورزی با جزئیاتی چون عدم تعهد کارفرما به استخدام موقت یا دائمی (ماده ۱۰)، خارج کردن کارورز از شمول قوانین کار و تأمین اجتماعی (ماده ۱۰)، تعیین مزد کارورز تا سقف یک‌سوم حداقل دستمزد (ماده ۸) و موارد متعدد دیگری از این دست که به معنای تضییع آشکار حقوق دانشجویان است، در واقع چیزی نیست جز استثمار بی‌سابقه فارغ‌التحصیلان بیکار. این اتحادیه بنا داشت نقطه نظرات خود را در مرداد ۱۳۹۶ در نشستی تحت عنوان «تبعات اجتماعی طرح کارورزی؛ اشتغال یا بحران اشتغال؟» به اطلاع عموم برساند که متأسفانه علی‌رغم طی مراحل قانونی، با دخالت نهادهای بیرونی از برگزاری آن جلوگیری به عمل آمد!

#### ۲- تغییر تحمیلی سرفصل دروس علوم انسانی؛ نقض استقلال نهاد دانشگاه

تلاش برای اعمال تغییرات در سرفصل‌های آموزشی توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی در طول سالیان گذشته استقلال و جایگاه علمی بسیاری از رشته‌های علوم انسانی را تهدید کرده که علوم اجتماعی نیز از این قاعده مستثنا نبوده است. این تغییرات تحمیلی در سرفصل دروس علوم اجتماعی که شامل وارد کردن دروسی ایدئولوژیک و بدون هیچ‌گونه پشتوانه نظری و پژوهشی همچون جامعه‌شناسی دفاع مقدس، جامعه‌شناسی اقتصاد مقاومتی و... بود با اعتراضات گسترده اهالی علوم اجتماعی، از جمله این اتحادیه و انجمن جامعه‌شناسی ایران، روبرو شد. هرچند استمرار اعتراضات منجر به توقف موقتی این دخالت‌ها در رشته علوم اجتماعی شد، اما بسیاری دیگر از رشته‌های علوم انسانی همچون علوم سیاسی از این تغییرات مصون نماندند. جامعه دانشگاهی از آن وزارتخانه انتظار دارد تا با جدیت در مقابل این‌گونه اقدامات که آشکارا استقلال نهاد دانشگاه، اساتید و دانشجویان را نقض می‌کند، ایستادگی کند.

#### ۳- اعمال سلیقه مدیران دانشگاهی؛ تضعیف انجمن‌های علمی دانشجویی

اعمال سلیقه، تغییر محتوا و لغو برنامه‌های انجمن‌های علمی دانشجویی توسط مدیران دانشگاهی، برخی گروه‌های آموزشی و اساتید در چند سال گذشته به‌گونه‌ای بوده که اغلب حتی ناقض آیین‌نامه رسمی انجمن‌های علمی دانشجویی بوده است. نمونه این بی‌قانونی،



تصمیم درباره مجوز برنامه‌ها در شورای فرهنگی دانشگاه یا دانشکده است. متأسفانه عدم ارائه تفسیری دقیق از عباراتی چون «سطح دانشکده»، «سطح دانشگاه» و «سطح ملی یا فرادانشگاهی» در آیین‌نامه توسط وزارت علوم منجر به تشدید برخوردهایی از این دست شده که تاکنون صدمات بسیاری را به انجمن‌های علمی دانشجویی وارد آورده است. انتظار می‌رود متوقف کردن هر چه سریع‌تر فرایندهای غیرقانونی از این دست، از اولویت‌های آن وزارتخانه در دوره بعد باشد.

۴- کاهش سنوات و افزایش شهریه؛

متأسفانه در طول سال گذشته شاهد ابلاغ آیین‌نامه‌ای از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به دانشگاه‌های کشور بودیم که مطابق آن دانشجویان کارشناسی و دکتری پس از پایان ترم هشتم و دانشجویان کارشناسی ارشد پس از پایان ترم چهارم خود، باید برای ترم‌های باقیمانده شهریه‌ای را به دانشگاه پرداخت کنند و هزینه خوابگاه، غذا و دیگر امکانات رفاهی آن‌ها چند برابر می‌شود. هر چند دانشجویان در واکنش به این رویداد در دهه‌ها دانشگاه کشور دست به اعتراض و تحصن زدند، اما شاهد مداخله مثبتی از سوی آن وزارتخانه نبودیم. این دست اقدامات در کنار خصوصی‌سازی و پولی‌سازی فزاینده امکانات رفاهی در دانشگاه هجومی بی‌سابقه به زیست دانشجویی است، دانشجویانی که به واسطه فشارهای مختلف اجتماعی و اقتصادی امروزه در معرض آسیب‌های جدی هستند. این اتحادیه بنا بر رسالت خود هشدار می‌دهد، در صورتی که آن وزارتخانه به بی‌توجهی نسبت به رفاه و زیست دانشجویان ادامه دهد، شاهد بروز آسیب‌های اجتماعی نگران‌کننده در میان دانشجویان و در دانشگاه خواهیم بود.

۵- فشارهای امنیتی بر پژوهشگران اجتماعی و فضای دانشگاهی

در طول چهار سال گذشته نیز مانند سالیان پیش از آن شاهد برخوردهای سرکوبگرانه و فشارهای امنیتی بر پژوهشگران اجتماعی و فعالان دانشجویی دغدغه‌مند بوده‌ایم. برنامه‌های انتقادی انجمن‌های علمی همواره در خطر لغو قرار دارند و پژوهشگران اجتماعی مستقل، متعد و منتقدی را می‌شناسیم که به دلیل فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی‌شان تحت فشار و مورد برخورد قرار گرفته‌اند. هر چند با توجه به تجارب گذشته به اصلاح این روند امید چندانی نداریم، اما دست‌کم امیدواریم در طول چهار سال آینده شاهد تلاش‌های آن وزارتخانه جهت دفاع از حقوق دانشجویان و اساتیدی باشیم که متعهدانه به دنبال پرداختن به مهم‌ترین مشکلات و دغدغه‌های مردم هستند.

۶- بومی‌گزینی؛ به حاشیه راندن حاشیه‌نشینان

بر همگان روشن است دانشگاه‌های شاخص کشور - که اکثراً هم در تهران تمرکز دارند - از نظر کمیت و کیفیت فاصله‌ای نجومی با سایر دانشگاه‌ها دارند، طرح‌هایی چون بومی‌گزینی در واقع نمی‌توانند دستاوردی جز به حاشیه راندن حاشیه‌نشینان داشته باشند. مقتضی است آن وزارتخانه پیش و بیش از آنکه به فکر نگهداشتن دانشجویان در شهرهای خود باشد، به دنبال افزایش امکانات دانشگاهی در اقصی نقاط کشور و تمرکززدایی از شهر تهران، و به دنبال آن کاهش نابرابری آموزشی شدید میان مرکز و پیرامون در کشور باشد. اتحادیه انجمن‌های علمی دانشجویی علوم اجتماعی ایران، ۱۸ مرداد ۱۳۹۶

این اتحادیه در اردیبهشت سال ۱۳۹۵ با هدف استفاده از ظرفیت انجمن‌های علمی دانشجویی علوم اجتماعی کشور و گسترش همکاری‌های گروهی علمی در سطح ملی و بین‌المللی تشکیل شد.



**سهیل عربی در بند دو-الف مورد ضرب و شتم قرار گرفته است**

سهیل عربی، زندانی عقیدتی که در پی اعتصاب غذای اعتراضی نسبت به بازداشت همسرش به سلول انفرادی بند دو-الف سپاه منتقل شده بود، در مدت بازجویی و حبس در بند مذکور از سوی بازجویان سپاه شکنجه و ضرب و شتم شده است. سهیل عربی زندانی عقیدتی، در دی‌ماه ۱۳۹۲ با اعلام جرم قرارگاه ثارالله سپاه پاسداران انقلاب اسلامی دستگیر و به مدت دو ماه در بند سپاه در زندان اوین تحت بازجویی و فشار قرار گرفت. او تاکنون در دادگاه‌های متعددی به دلیل محتوای مطالب منتشرشده در صفحه فیس‌بوک خود و سایر صفحاتی که به همراه دیگران، ادمین (سرپرست) آن‌ها بوده، محاکمه شده است. شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب سهیل عربی را به دلیل «توهین به رهبر جمهوری اسلامی و تبلیغ علیه نظام» به سه سال حبس تعزیری و شعبه ۱۰ دادگاه رسیدگی به جرائم کارکنان دولت، او را به دلیل «توهین به مقامات» به ۵۰۰ هزار تومان جریمه نقدی و ۳۰ ضربه شلاق محکوم کرده‌اند. وی همچنین به اتهام «سب‌النبی» از سوی شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان به اعدام محکوم شد که این حکم طی اعاده دادرسی به ۹۰ ماه زندان و دو سال تحقیقات مذهبی برای اثبات پشیمانی تبدیل گشت.

**گزارشگران بدون مرز؛ ایران عدالت در سیاهی**

در بخشی از بیانیه گزارشگران بدون مرز آمده: «علیرغم محکومیت روشن ایران از سوی سازمان ملل این کشور همچنان به شکنجه روزنامه‌نگاران و دیگر مخالفان زندانی در عدم شفافیت کامل و در پشت درهای بسته ادامه می‌دهد. مجمع عمومی سازمان ملل باید بازداشت‌ها و محکومیت‌های غیرقانونی و خودسرانه روزنامه‌نگاران و مخالفان و فعالان سیاسی جمهوری اسلامی ایران را محکوم کند.» ساسان آقایی روزنامه‌نگار فرهیختگان و همکار بسیاری از روزنامه‌های اصلاح طلب در تاریخ اول آذر ماه ۱۳۸۸ بازداشت شد. ماموران امنیتی پس از بازرسی منزل و ضبط وسایل شخصی، این روزنامه‌نگار و مدیر وبلاگ تریبون آزاد را به همراه خود برده و به محل نامعلومی منتقل دادند. ساسان آقایی سومین روزنامه‌نگار زندانی فرهیختگان است دو همکار دیگر وی رضا نوربخش و مسعود باستانی هر کدام اخیراً به شش سال زندان محکوم شده‌اند. رضا رفیعی فروشانی روزنامه‌نگار مستقل و همکار بسیاری از رسانه‌های داخلی و بین‌المللی نیز به پنج سال حبس قطعی و ۷ سال زندان تعلیقی محکوم شده است. دوم آذر ماه محکومیت زندان احمد زید آبادی نیز اعلام شد. این روزنامه‌نگار به پنج سال زندان و تبعید به گناباد محکوم شده است. وثیقه این روزنامه‌نگار از سوی دادگاه افزایش یافته است و وی برای آزادی موقت باید ۳۵۰ میلیون تومان پرداخت کند. محمد علی ابطی وب‌نگار و بنوشت در تاریخ اول آذر ماه با سپردن ۷۰۰ میلیون تومان وثیقه پس از ۱۶۱ روز بازداشت آزاد شد. این روحانی وبلاگ نویس معروف به شش سال زندان محکوم شده است. پنج روزنامه‌نگار محکوم شده اول بار در سری دادگاه‌های استالینی برگزار شده در تهران محاکمه شده‌اند. برخی از آنها در این نمایش مجبور به قرائت نامه‌ای از اعتراف اجباری خود شد بودند. از آغاز محاکمات وکلای زندانیان از دسترسی به پرونده موکلین و یا ملاقات با آنها محروم بوده‌اند. وکلای تسخیری ناشناسی نزدیک به نهادهای امنیتی از سوی دادستانی تهران برای دفاع از زندانیان برگزیده شده‌اند. گزارشگران بدون مرز یاد آور می‌شود که از ۲۲ خرداد مقامات امنیتی قضایی زندان اوین در باره وضعیت زندانیان از اطلاع‌رسانی به خانواده‌ها خودداری می‌کنند. اعمال فشار بر روزنامه‌نگاران زندانی همچنان ادامه دارد. آنها هر لحظه می‌توانند برای بازجویی فرخوانده شوند، ملاقاتشان بدون هیچ دلیلی ممنوع و برای آری یا نه گفتن به یک پرسش به سلول انفرادی منتقل شوند. گزارشگران بدون مرز اخیراً از وضعیت دشوار مهدی حسین زاده مطلع شده است. این روزنامه‌نگار که از تاریخ ۹ مرداد ماه در بازداشت بسر می‌برد شدیداً مورد بد رفتاری و شکنجه قرار گرفته است. مقامات قضایی تاکنون در باره پرونده و اتهامات وی سکوت کرده‌اند. ژیلابنی یعقوب روزنامه‌نگاری که خود اخیراً از زندان آزاد شده است نگران سلامت همسرش بهمن احمدی اموی است که همچنان در زندان بسر می‌برد. این روزنامه‌نگار بعد از ۶۵ روز سلول انفرادی به بند ۳۵۰ منتقل شده بود اما در پی اعتراض به وضعیت نابسامان زندان و این بند مجدداً به سلول انفرادی در بند ۲۰۹ بازگردانده شده است. هنوز پس از پنج ماه بهمن اجازه پیدا نکرده است که با وکیلش دیدار کند و وی دسترسی به پرونده ندارد و اتهامات را نمی‌داند.

**بازداشت دست کم ۱۳ شهروند عرب سنی مذهب در خوزستان**

یک فعال محلی در این رابطه گفت: روز جمعه ۲۰ مردادماه تعدادی از شهروندان عرب سنی مذهب در منطقه کرخه واقع در غرب شهر شوش توسط نیروهای انتظامی و لباس شخصی بازداشت شدند. بازداشت شدگان همگی جوان بودند و در زمان برپایی نماز جماعت مورد هجوم نیروهای انتظامی و لباس شخصی قرار گرفتند. آنها ضرب و شتم و به نقطه نامعلومی منتقل شدند. ملاحظه محله‌ای در جنوبی‌ترین نقطه قسمت غربی اهواز مرکز استان خوزستان ایران است. ساکنان ملاحظیه عرب زبان هستند.

### جامعه اهل سنت فقط حقوق قانونی خود را مطالبه می‌کند

بخشی از سخنان مولانا عبدالحمید در نماز جمعه زاهدان: خواسته‌های اهل سنت فراتر از قانون نیست، بلکه فقط حقوق قانونی خود را مطالبه می‌کنند، نگاه یکسان و توجه به اصل شایسته‌سالاری در کشور. انتظار ما از دولت دوازدهم این بود که حداقل یک وزیر اهل سنت و یک وزیر زن در کابینه حضور داشته باشند. این می‌توانست موجبات جلب رضایت‌مندی ملت ایران از همه اقوام و مذاهب را فراهم آورد. این سیاست محکم می‌توانست به نفع ایران و جهان اسلام باشد و باز خورد وسیعی در جهان داشته باشد و عزت و سربلندی ایران و ایرانی را در جهان افزایش دهد. انتظار می‌رفت اهل سنت پس از ۳۸ سال محرومیت از حضور در مناصب بالای مدیریتی، در کابینه دولت تدبیر و امید مشارکت داده می‌شدند. متأسفانه این اقدام صورت نگرفت و لیست اعضای کابینه بدون حضور اهل سنت و زنان منتشر شد، وقتی در قانون اساسی تصریح شده است رئیس‌جمهور باید از اکثریت شیعه اثنی عشری باشد، شرط انصاف آن بود که تعدادی از وزرا از میان اهل سنت که اکثریت دوم جامعه ایران هستند انتخاب می‌شدند زیرا در قانون اساسی هیچ‌گونه منعی برای بکارگیری اهل سنت در سطح وزیر و... وجود ندارد؛ حال که این اقدام صورت نگرفته است انتظار می‌رود که در سطح معاونین وزرا و استانداران و دیگر مناصب بالای مدیریتی از شایستگان و توانمندان اهل سنت استفاده شود. وقتی در قانون هیچ‌گونه منعی برای بکارگیری اهل سنت به عنوان وزیر، معاون وزیر، مدیر و استخدام اهل سنت وجود ندارد، چرا مسئولین امر فرصت خدمت کردن را از اهل سنت دریغ می‌ورزند؟! امام‌جمعه اهل سنت زاهدان خواستار آن شدند که نیروهای اهل سنت باید در سپاه، نیروی انتظامی، ارتش و دیگر نهادهای نظامی و امنیتی استخدام شوند. ما همواره برای قضات عزیزی که بتوانند عدالت را اجرا کنند دعای خیر می‌کنیم، اما حضور اهل سنت در دستگاه قضایی که نهاد مهمی در کشور است بسیار ناچیز است.

### علما و بزرگان اهل سنت دولت دوازدهم را تحریم کنند!

امام جمعه آدشهر مولانا محمدحسین گرگیج ضمن انتقاد شدید از عدم دعوت بزرگان اهل سنت به مراسم تحلیف ریاست جمهوری دوازدهم از علما و بزرگان اهل سنت خواستند با دولت دوازدهم ارتباط نداشته و آنرا تحریم کنند. شما پیش از انتخابات برای تصاحب آرای مردم به مولانا عبدالحمید انتصاب چهار وزیر اهل سنت و چهار استان دار و چندین مدیر کل و معاون و نیز استفاده از نیروهای اهل سنت را وعده کردید و قول دادید که نواقص دوره های گذشته را جبران خواهید کرد. افراد زیادی در داخل و خارج از کشور از ما خواستند انتخابات را تحریم کنیم اما مولانا عبدالحمید با درایت و دور اندیشی در جلسه شورای راهبردی گفتند ما این خاک و ملت را می‌خواهیم و دوست نداریم به سرنوشت کشورهای سوریه و عراق دچار شویم. بنده در جایگاهی نیستم که به مولانا عبدالحمید دستور بدهم اما پیشنهاد این است که علما و بزرگان اهل سنت به خاطر بی‌توجهی دولت دوازدهم به خواسته های اهل سنت آن را تحریم کنند و ضمن عدم حضور در محافل دولتی با این دولت تعامل و همکاری نداشته باشند. همان طور که آن‌ها ما را تحریم کردند همه جلسات آنان باید تحریم شود و در خصوص شرکت مردم در دوره بعدی انتخابات و یا تحریم آن تصمیم می‌گیریم و در ایام انتخابات فتوا صادر خواهیم کرد. مولانا گرگیج با بیان اینکه مردم، دروغ و فریب را هرگز نمی‌پذیرند، مردم از وعده های دروغین خسته شده اند، به ذات الهی سوگند یاد می‌کنم اگر در انتخابات اخیر، سعه صدر و دوراندیشی مولانا عبدالحمید نبود چنان درصد آرا کاهش می‌یافت که حیثیت نظام زیر سوال می‌رفت. ما ضعیف تر از شیعیان بحرین نیستیم که برای سقوط نظام حاکم به خیابان‌ها می‌آیند و شعار سر می‌دهند، تا کنون از اهل سنت چنین شعاری نشنیده‌اید و اگر ما یک روز چنین شعاری سر دهیم معلوم نیست چه برخوردی با ما خواهید داشت.

### الحمد لله کسی از اهل سنت و کرد را دعوت نکردند!

حاج ماموستا ملا قادر قادری امام‌جمعه پاوه؛ خوشحالم و می‌گویم الحمد لله کسی از اهل سنت و کرد را دعوت نکردند امید است این امر سبب تجدیدنظر برای کردها و اهل سنت گردد؛ تا کی عقلانیت و مصلحت را فدای احساسات کردند؟! کسانی که بلندگوی دولت تدبیر و امید شده‌اند بیایند و به مردم پاسخ دهند؛ چه اشکالی داشت جناب آقای دکتر روحانی چند عالم و شخصیت اهل سنت را دعوت می‌کرد، ولی محافظین و حراست مجلس شورای اسلامی اجازه ورود را به آنها نمی‌دادند؟! این‌ها همه درد است و سکوت در برابر آن‌ها جایز نیست و باید یادآوری کنیم به امید اصلاح.

### فراکسیون اهل سنت مجلس در دیدار با وزیر خارجه

دکتر رحیمی، رئیس فراکسیون اهل سنت مجلس در دیدار با دکتر ظریف، بر لزوم استفاده از نیروهای متخصص اهل سنت در پست‌های مختلف وزارت خارجه از قبیل: سفارتخانه‌ها، کنسول‌گری‌ها و رایزنی‌ها تأکید کرد و آن را در تأمین بهتر منافع ملی و افزایش ضریب همدلی، همگرایی و امنیت کشور مفید و مؤثر دانست. رئیس فراکسیون اهل سنت مجلس در این دیدار «بهبود روابط با کشورهای همسایه» و «تنش‌زدایی منطقه‌ای» را از مسئولیت‌های مهم وزارت خارجه برشمرد و از وزیر امور خارجه کشورمان خواست در این زمینه از ظرفیت فراکسیون اهل سنت استفاده کند. دکتر محمدجواد ظریف نیز در این دیدار بر تنش‌زدایی منطقه‌ای و به‌کارگیری مجدد زنان و اهل سنت در وزارت خارجه تأکید و از پیشنهاد استفاده از ظرفیت فراکسیون اهل سنت برای بهبود اوضاع منطقه‌ای استقبال کرد.

## پروسس اعلاای جنبش های اجتماعی

### خودآگاهی و سازماندهی جهت تحقق مطالبات و کسب نقش سیاسی در حوزه عمومی

نحوه دعوت از رهبران اقلیت های مذهبی و قومی در مراسم تحلیف ریاست جمهوری، شیوه انتخاب و چینیس وزرا در کابینه و عدم استفاده از وزیر زن و دیگر مهره هائی که در ظاهر می توانستند به تحقق مطالبات جنبش دانشجویی، معلمان، کارگری و پرستاران منجر گردد، ثابت می کند که کابینه دوازدهم نه تنها در برنامه و سیاست گذاری که در تعیین مسئولین قصد ندارد تا به مطالبات جنبش های اجتماعی پاسخ درخور دهد. از آنجا که فعالین اجتماعی رویکرد به تحقق مطالبات جنبش های اجتماعی را با انتخابات و کابینه دوازدهم گره نزدند، طرح مطالبات همچنان بصورت پیگیر تداوم یافت. فعالین اجتماعی با ظرافت سیاسی خاصی مجموعه وقایع پس از انتخابات اردیبهشت ماه را رصد کردند، که البته جمع بندی آنان با اشراف به «عدم تغییر مشخص در کابینه و زد و بند های پشت پرده در بالائی های قدرت» آنان را به یک جمع بندی واقعی رساند که ما نتیجه آنرا بیش از پیش در «تاکید بر مطالبات اجتماعی جنبش ها و طرح آن در فضای مجازی و رسانه ای» مشاهده می کنیم.

ما بخشی از این مطالبات را می توانیم در؛ تداوم اعتصابات و اعتراضات کارگری، تشدید انتقادات رهبران دینی اقلیت های مذهبی و قومی (که بدلیل عدم بکارگیری اهل سنت در کابینه و مراکز نظامی، قضائی و مدیریت دولتی بود)، تاکید بر مخالفت طرح کارورزی توسط انجمن های اسلامی و دانشجویی که مطالبه بخشی از جنبش پرستاران هم بود، نقد بخشی از کنش گران به شیوه فعالیت سنتی نهادهای صنفی معلمان و چارجویی جهت رسیدن به نهادهای صنفی متناسب با نیاز روز مبارزاتی معلمان و نحوه استفاده و بسیج معلمان در حوزه فعالیت های صنفی. که اینها همه مجموعه تلاشی است که ما در جنبش های اجتماعی شاهد آن هستیم. فعالیت هائی که گرچه با سرکوب فعالین و نیروهای پیشرو در جنبش ها همراه است، اما گامی است رو به جلو. زیرا که در دهه قبل چنانچه رهبران و فعالین در جنبش های اجتماعی دستگیر و به زندان سپرده می شدند، خلاء و فقدان این نیروها باعث می گشت که کل حرکت های اصلاحی در آن جنبش به بن بست برسد. در حالی که جنبش اجتماعی از وابستگی به افراد و نیروها خارج گشته و مبارزات صنفی هم اینک می تواند فارغ از این دستگیریها، به اعتلاء حرکت جنبش اجتماعی کمک کند. امری که ما می توانیم از آن بعنوان «یک گام رو به جلو» نام ببریم!

جنبش های اجتماعی هزینه های زیادی را متحمل شده اند تا به ناباوری و بی اعتمادی نسبت به جناح بندیهای سیاسی درون حاکمیت دست یابند. و برای رسیدن به این نقطه زمان زیادی را طی کردند. حد فاصل پروسه ای که جنبش های اجتماعی بتوانند از وابستگی به قدرت رهائی یابند و مبارزات خود را بصورت مستقل ادامه دهند، منوط به طی کردن پروسس آگاهی بخشی جنبش است! پروسه ای که از یک طرف در فهم از ماهیت حاکمیت، و از طرف دیگر به تلاش ذاتی و درونی جنبش جهت رسیدن به مطالبات گره خورده بود؛ پاسخ به این سوال که «آیا منافع جنبش ها با اتکا به حاکمیت به دست می آید» و یا «با رجوع به ظرفیت و توانمندی درونی جنبش» تضاد و پارادوکسی را در درون جنبش ها شکل می داد که عدم پاسخ به آن باعث گردید تا هم اکنون جنبش های اجتماعی با انباشت ده ها سال مطالبات مواجه باشند. با اینحال جنبش های اجتماعی در تعامل با حاکمیت خصوصا در حوزه سیاسی و نهادهای انتخابی از یک طرف و نیز عدم حمایت جناح بندیهای حکومتی از مطالبات ایشان، به این مهم دست یافته اند که تنها هستند. و در این راه برای رسیدن به مقصود باید به استعدادها، توان مندیها و قدرت خود تکیه کنند.

هم اکنون جنبش های اجتماعی در ایران برای تحقق مطالبات خود راهی طولانی در پیش دارند. پروسسی که شامل مولفه های؛ خودآگاهی، سازماندهی تا تحقق مطالبات و تاثیرگذاری بر سیاستهای کلان و کسب نقش سیاسی در حوزه عمومی همراه است. در حال حاضر جنبش های اجتماعی در مرحله اول هستند یعنی «باور بر پتانسیل و توان مندیهای خود و عدم تکیه به نیروها و جناح بندیهای حاکمیت»، که این مرحله چنانچه با تمامی کاستی ها و سنگ اندازی حاکمیت به درستی طی گردد، دست یابی به دیگر مراحل از نتایج این مرحله خواهد بود. خوداتکائی نیاز به هویت یابی دارد و اگر هر جنبش اجتماعی بتواند هویت مستقل فرهنگی و صنفی خود را تعریف کند، قطعا نقش کنش گری و تاثیرگذاری خود را در عرصه عمومی افزایش می دهد. برای اثبات این مدعا کافی است که به بعضی از اخبار جاری رفرنس بدهیم؛

جنبش قومی و مذهبی؛ رهبران مذهبی اهل سنت و بخش زیادی از کنش گران قومی نسبت به عدم دعوت از رهبران اهل سنت در مراسم تحلیف رئیس جمهور در مجلس اعتراض کردند و دلایل آن را ناشی از فرقه گرایی مذهبی حاکمیت برشمردند. کنش گران مخالف حاکمیت مذهبی در ایران مطالبات خود را حتی فراتر از این اقدام دانسته و از حکومت خواستند تا مسئولیتهای دولتی هم در وزارتخانه های گوناگون «قضائی، نظامی، سیاسی تا سطح معاون وزیر» به شهروندان اهل سنت تعلق بگیرد. با چهار دهه از عمر حاکمیت مذهبی محدودیت های فرهنگی و مذهبی و عدم سرمایه گذاری اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و مشکلات عدیده ای خصوصا در استانهای مرزی شدت گرفته و مردم این مناطق را با مشکلات ساختاری روبرو کرده است که پاسخ به این معضلات از دیگر مطالباتی است که توسط کنش گران در صدر رسانه ها و فضای مجازی قرار دارد. خصوصا که بعضی از رهبران اهل



سنت نیز از تحریم دولت دوازدهم نام برده اند. تظاهرات گسترده و مداومی که در رابطه با بحران آب و بحران ریزگردها، سرکوب کولبران در مناطق کردستان و یا جلوگیری از فعالیت اقتصادی ناچیز مردم از مرزهای استان سیستان و بلوچستان و نیز مخالفت با دستگیریهای مداوم فعالین عرب و اهل سنت در استان خودستان، از دیگر مطالباتی است که کنش گران در این نواحی خواستار آن هستند.

جنبش دانشجویی؛ تبلور فعالیتهای صنفی و سیاسی جنبش دانشجویی مستتر در انجمن های اسلامی است. آنچه که طی دو هفته اخیر در رسانه ها و فضای مجازی اهمیت یافت؛ نقد طرح کارورزی بود که بصورت بیانیه و نقدهای علمی و اقتصادی بررسی گردید. افزایش سنوات، کاهش شهریه، کاهش فشار بر پژوهشگران اجتماعی و اقتصادی در دانشگاه، عدم جلوگیری از فعالیت شوراهای صنفی و کاهش فشار بر نشریات دانشجویی، از دیگر مطالبات دانشجویی است که بصورت مداوم مطرح گردید. حمایت از روزنامه نگاران زندانی، مشکلات دانشجویپرستان یا دانشجو معلمان نیز از دیگر مطالباتی بود که توسط دانشجویان در عرصه عمومی مورد توجه قرار گرفت. مهمترین ویژگی اخبار دانشجویی پرداختن به مطالبات صنفی- سیاسی با رویکرد نهادی و سیاسی است. پیوند مطالبات صنفی با رویکرد سیاسی همراه با نقد حاکمیت از ویژگی های مرحله جنبش دانشجویی در مرحله کنونی می باشد. جنبش معلمان؛ که دارای قوی ترین نهادهای صنفی در سطح جنبش های اجتماعی می باشد و بصورت مداوم در حال طرح مطالبات خود می باشد؛ به رسمیت شناختن تشکلهای صنفی، افزایش بودجه در آموزش و پرورش، بررسی معیشت شاغلین و بازنشسته ها، استخدام معلمان قراردادی، شرکتی و حق تحصیل، رفع تبعیض بین شاغلین و بازنشستگان و برابری در سنوات، افزایش سرانه پرداختی به مدارس، حل نابرابری در آموزش و تحصیل رایگان، جلوگیری از عزل و نصب های سیاسی در وزارتخانه آموزش و پرورش، تمرکز زدائی و سپردن مسئولیتها به استانها، مناطق، مدارس و معلمان در امر آموزش و پرورش، حذف نگاه امنیتی و دخالت حراست در مورد فعالان و فعالیتهای صنفی و رفع موانع فعالیت تشکلهای و حمایت از خواسته های بدنه و نیز نقد بر سیاستهای کلی آموزش و پرورش و مخالفت با سیاستهای نئولیبرالیزم دولت ها، از جمله مطالباتی است که نقش جنبش معلمان را در مرحله کنش گری در حوزه عمومی برجسته می کند.

### کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ «زاهدی- سبا» و سقوط دولت ملی دکتر محمد مصدق



### مطالبات معلمان از دولت دوازدهم

- حق تشکل های صنفی و به رسمیت شناختن آن.
- افزایش بودجه آموزش و پرورش که در همه دولتها بودجه این وزارت خانه کمتر از یک چهارم نیاز آن تنظیم شده است.
- تنزل کیفیت آموزش و سطح سواد ۱۳ میلیون دانش آموز.
- وضعیت معیشتی شاغلین و بازنشستگان.
- وضعیت بیمه های فرهنگیان شاغل و بازنشسته.
- وضعیت استخدامی معلمان قراردادی، شرکتی، حق تدریسی و ...
- رفع تبعیض بین بازنشستگان و شاغلین و ایجاد برابری بین بازنشستگان سنوات مختلف.
- سرانه ی پرداختی به مدارس.
- نابرابری های آموزشی با تاکید بر اصل ۳۰ قانون اساسی و تحصیل رایگان.
- جلوگیری از روند پولی شدن مدارس.
- تقویت مدارس دولتی به ویژه در مناطق دور افتاده.
- جلوگیری از عزل و نصب های سیاسی و در عوض انتصاب افراد بر اساس توانایی ها و شایستگی ها.
- تمرکز زدایی و کاهش دخالت های ستادهای مرکزی و واگذاری اختیارات به استان ها، مناطق، مدارس و در نهایت معلمان در امر آموزش و پرورش.
- حذف نگاه امنیتی و جلوگیری از دخالت حراست ها در مسایل مربوط به فعالان و فعالیت های صنفی.
- کمک به رفع موانع قانونی فعالیت تشکل ها و حمایت از آن ها برای انتقال خواسته های بدنه به مسوولان.

### به بهانه فراخوان تجمع اعتراضی جامعه ی بازنشستگان فرهنگی در سی و یکم مرداد ماه

با شروع دور جدید جنبش صنفی معلمان شاغلین و بازنشستگان «آ.پ» متحدانه برای احقاق مطالبات خود به کنش های اعتراضی روی آوردند. بازنشستگان نه تنها شاغلین را در تمامی اعتراضات همراهی کردند در بیشتر مواقع عملا پیشروان جنبش اعتراضی فرهنگیان بوده اند. با فروکش کردن تب اعتراضات و سرگرم شدن کانون های صنفی به گرفتن مجوز مجمع برای برگزاری انتخابات جدید این بازنشستگان بودند که بار حرکت های اعتراضی را به دوش کشیده و جنبش اعتراضی را وارد فاز جدیدی کرده اند. طی دو سال گذشته در غیاب مشارکت تشکل های صنفی معلمین؛ بازنشستگان رسماً سازماندهی این قشر را در اقصا نقاط کشور به عهده گرفته اند. آنان در شبکه های مجازی خصوصاً تلگرام صدها گروه کشوری؛ استانی و شهرستانی را تشکیل داده اند و برنامه ریزی برای تمام کنش های اعتراضی در این گروه ها شکل می گیرد. این کنش ها از بیانیه؛ طومار، راه اندازی کمپین ها و لابی با مقامات گرفته تا شکل دادن به آکسیون های استانی و کشوری را شامل می شود. با گسترش اعتراضات در اواسط بهمن ماه کمسیون تلفیق ۴۰۰۰ میلیارد تومان را برای همسان سازی حقوق آن ها مصوب کرد و شورای نگهبان نیز آن را تایید کرد در حالیکه پیشروان این جریان اعتراضی در صدد ارائه ی دلایل خود برای الحاق ۳۰۰۰ میلیارد دیگر برای انجام همسان سازی حقوق ها بودند، مجمع تشخیص مصلحت نظام در میان بهت همگان به بهانه ی ریاضت اقتصادی با کلیت طرح مخالفت کرد. و همین کافی بود تا جامعه ی بازنشستگان به درستی بلافاصله اعتراضات جدیدی را در دستور کار قرار دهد و در سوم اسفندماه شاهد اعتراض این قشر بودیم اعتراضی که نسبتاً بازتاب گسترده ای در رسانه های مختلف داشت پیشکسوتان «آ.پ» در پی انتخابات و فضای سیاسی حاکم بر کشور در تعاملی یک طرفه ماهها اعتراضات خود را مسکوت گذاشتند لیکن در آستانه شکل گیری دولت جدید آنها عملاً به هیچ یک از مطالبات خود دست نیافته اند و این می تواند بر خشم آن ها و شرکت پرشورتر در تجمع سی و یکم مردادماه بیفزاید. از سوی دیگر شاهد جنب و جوش شاغلین برای همسویی و همراهی پیشکسوتان در کنش میدانی پیش رو هستیم و شاید اینبار خلا اتحاد نسل نو و نسل پیشکسوت «آ.پ» برای همیشه ساختاری جدید را تجربه کند. پرواضح است آکسیون های بازنشستگان در نهایت بی نتیجه نخواهد ماند ولیکن لازم است گستره ی آن به شهر ها و استان ها برسد و تنها به اعتراض چند هزار بازنشسته ی پایتخت ختم نشود. آنچه این روزها متأسفانه چشم می آید حضور کمرنگ شاغلین در همراهی با اعتراضات این پیشکسوتان است. این در حالی است که تمام منافع کسب شده ی احتمالی مستقیم در راستای تامین منافع آنان نیز خواهد بود. اکنون باید امیدوار بود فعالین صنفی به این مهم توجه بیشتری داشته باشند و با اتحاد دوباره ی شاغلین و بازنشستگان ادامه ی جنبش را با قدرت بیشتری شاهد باشیم. جنبشی که بیش از آن که منافع مادی قشری را فراهم کند فردایی بهتر را برای تمام جامعه فراهم خواهد کرد.

اسکندر لطفی انجمن صنفی معلمان کردستان- مریوان

## بیانیه جمعی از معلمان ایران پیرامون سیاستهای ضد آموزشی دولت و معرفی وزیر آموزش و پرورش

همکاران گرامی! وضعیت نابسامان آموزش و پرورش در ایران بر کسی پوشیده نیست. از دلایل عمده این نابسامانی سیاست‌هایی است که معتقد است دولت باید از مسئولیت‌های اجتماعی خود در حوزه‌هایی مانند آموزش عقب نشینی کند و این عرصه‌ی مهم حیات انسانی را به بخش خصوصی بسپارد. این سیاست‌ها بخصوص در دولت سازندگی رفسنجانی پس از جنگ شروع شد و در تمام دولت‌های بعد از آن از دولت اصلاحات خاتمی تا مهرورز احمدی نژاد ادامه یافت و در دولت اعتدال به دست روحانی به اوج خود رسیده است؛ پس شرایط موجود از جمله جدال بر سر انتخاب وزیر را خارج از این رویکردهای نئولیبرالی اقتصادی و سیاسی نمی‌توان ارزیابی نمود. همچنین عملکرد حلقه‌ی بسته‌ای از مدیران که هیچ‌گاه اجازه ندادند افراد مستقل و کارآمد در نظام آموزشی رشد نمایند در ایجاد شرایط حاضر موثر بوده است.

در چنین شرایطی، معرفی وزیر آموزش و پرورش با فعال شدن باندها و محافل سیاسی منتسب به معلمان تحت عنوان تشکل‌های مدعی اصلاح طلبی وارد فاز جدیدی شده است. هر یک از این باندها و محافل قدرت و ثروت به دنبال سهم خواهی از این وزارتخانه هستند و به مدد برخورداری از رانت رسانه و ارتباطات، خود را نماینده معلمان جا می‌زنند. البته طبیعی است که یک تشکل سیاسی و وابسته به دولت چاره‌ای جز همراهی با جریان سیاسی متبوع خود ندارد و اولویت آنها سهم خواهی است نه منافع معلمان.

در این میان طبق معمول آنچه مغفول مانده و اهمیت ندارد مطالبات انباشته‌شده‌ی معلمان است که حتی اشاره‌ای نیز به آن نمی‌شود. در این شرایط برخی چنان وانمود می‌کنند که انتخاب این یا آن وزیر قرار است تغییری در وضعیت بد آموزش و پرورش ایجاد نماید و مشکلات را برطرف سازد؛ آیا واقعاً اینگونه است؟ آیا حضور بطحایی، آشتیانی یا زرافشان یا ... با وجود سیاستهای کلان پولی سازی، واگذاری آموزش به بخش خصوصی و کاهش بودجه با نفوذ افرادی همچون نوبخت در سازمان برنامه و بودجه که پیش‌تر تفکر خود را نشان داده اند، تغییری کیفی و ملموس در نظام آموزشی ایجاد خواهد نمود؟

ما جمعی از فعالان صنفی و معلمان عدالتخواه ایران این سهم خواهی برخی از افراد، جریان‌ات و تشکل‌های سیاسی موجود را بر نمی‌تابیم و معتقدیم که این بازی انتخاب وزیر خیانتی در حق معلمان است. ما ریشه‌ی مشکل را در نگاه راهبردی در دولت‌های مختلف می‌دانیم که همان رویکرد اقتصادی نئولیبرالی در زمینه آموزش است؛ رویکردی که اعتقادی به افزایش بودجه‌ی آموزش و پرورش ندارد چون این نهاد را ارگانی مصرفی تلقی می‌کند و از رهگذر پولی و کالایی سازی آموزش تحت عناوین مختلف از عدم جذب نیرو از روش‌های استاندارد و خرید خدمات گرفته تا مدرسه فروشی و گرفتن شهریه از دانش‌آموزان و کاهش سرانه مدارس می‌کوشد آموزش با کیفیت، رایگان و عمومی را به محاق ببرد؛ در این رویکرد جایی برای زندگی و معیشت شرافتمندانه پیشکسوتان فرهنگی و شاغلان رسمی و قراردادی نیروهای اداری و خدماتی و معلمان مدارس خصوصی وجود ندارد و هر چه بیشتر مانع افزایش دستمزد و خدمات بیمه‌ای مناسب برای فرهنگیان می‌گردد.

ما بعنوان جمعی از معلمان عدالتخواه، وزیر پیشنهادی (بطحایی) و همچنین گزینه‌های مطرح دیگر از جمله وزیر فعلی را گزینه‌های مناسبی برای وزارت آموزش و پرورش نمی‌دانیم؛ چرا که معتقدیم تا مادامی که سیاست‌های کلی دولت مبنی بر تجاری و پولی سازی آموزش و عدم توجه به معیشت فرهنگیان تغییر نکند با تغییر وزیر تغییری در وضعیت موجود رخ نخواهد داد.

از نظر ما بطحایی نه تنها به دلیل عملکرد نادرست در سمت‌های قبلی مانند عدم توانایی در جذب بودجه، افت خدمات بیمه تکمیلی، عدم پرداخت به موقع پاداش پایان خدمت بازنشستگان و سو مدیریت در بروز بزرگترین اختلاس یعنی اختلاس از صندوق ذخیره فرهنگیان (که بر همگان روشن است) گزینه‌ی مورد تأییدی نیست؛ بلکه در سطحی فراتر به عنوان عامل اجرای سیاست‌های غلط دولت در آموزش و پرورش مورد تأیید ما نخواهد بود. حضور بطحایی در سمت معاونت نوبخت به عنوان پیش‌برندگان اصلی سیاست‌های تعدیل اقتصادی در امر بودجه که از اثرات آن کاهش بودجه‌ی آموزش و پرورش در سال ۹۶ بود مهر دیگری بر تأثیرات منفی حضور وی در پست وزارت است؛ و حضور این دو در کابینه نشان از روزهای بدی دارد که در انتظار آموزش و پرورش ایران و آینده کودکان است. از نظر ما امضاکنندگان این بیانیه بهبود وضعیت آموزشی کودکان و دستیابی به یک زندگی شرافتمندانه و انسانی برای فرهنگیان در گرو اتحاد و همبستگی حول مطالبات برحق صنفی و تشکل‌یابی مستقل است.



حرکت تحول‌خواهانه جامعه ایران از کدامین مسیر باید عبور بکند و به نتیجه می‌رسد؟ تنها از طریق استراتژی جنبشی است که ما می‌توانیم مسیر موفقیت آمیز حرکت تحول‌خواهانه جامعه ایران را بیمه بکنیم چراکه بدون استراتژی جنبشی امکان ایجاد توازن قوا بین پائینی‌های قدرت و بالائی‌های قدرت وجود ندارد.

بدون استراتژی جنبشی امکان تکوین و اعتلای جنبش مطالباتی جامعه ایران وجود ندارد. بدون استراتژی جنبشی امکان سازماندهی و تشکل گروه‌های اجتماعی مختلف جامعه ایران وجود ندارد.

بدون استراتژی جنبشی امکان ایجاد یک جامعه نیرومند مدنی در ایران وجود ندارد. بدون استراتژی جنبشی امکان جایگزین کردن حرکت تحول‌خواهانه اصلاحاتی به جای حرکت ویرانگر انقلابی وجود ندارد.

بدون استراتژی جنبشی امکان به عقب راندن صاحبان سه قدرت سیاسی و اقتصادی و معرفتی در جامعه استبدادزده ایران وجود ندارد.

بدون استراتژی جنبشی در جامعه استبدادزده ایران امکان برپائی نظام شورائی تکوین یافته از پائین وجود ندارد.

بدون استراتژی جنبشی امکان دستیابی به دموکراسی سوسیالیستی در جامعه ایران وجود ندارد. بدون استراتژی جنبشی امکان اجتماعی کردن قدرت سیاسی و قدرت اقتصادی و قدرت معرفتی در جامعه ایران وجود ندارد.

بدون استراتژی جنبشی در جامعه ایران امکان دستیابی به اصلاحات بنیادی (نه اصلاحات توزیعی) وجود ندارد.

تنها با استراتژی جنبشی است که ما می‌توانیم در جامعه استبدادزده ایران سوسیالیسم و دموکراسی یا دموکراسی سوسیالیستی را به مرحله عمل درآوریم.

تنها با استراتژی جنبشی و جامعه مدنی است که در جامعه استبدادزده ایران تشکیلات مستقل و نهادهای سراسری سازمان یافته جنبش‌های سه‌گانه در شکل صنفی و سیاسی می‌توانند به عنوان بدیل احزاب یقه سفید و پادگانی و تزیق شده از بالا ظاهر بشوند.

تنها در عرصه یک جامعه مدنی است که امکان تکوین سندیکاها و اتحادیه مستقل سراسری کارگری وجود پیدا می‌کند.

تنها با استراتژی جنبشی است که امکان تحول جامعه ایران از طریق اصلاحات اجتماعی فراهم می‌شود.

مقاله استراتژی جنبش و جامعه مدنی در ایران- برگرفته از سایت سازمان پیشگام مستضعفین

هم جنبش‌ها و هم جامعه مدنی، در ۱۵۰ سال عمر گذشته خود در ایران، به لحاظ نظری و عملی يك حقیقت ثابت و دفعی نبوده و نیستند، بلکه بالعکس هم جنبش‌ها و جامعه مدنی در تاریخ ۱۵۰ سال گذشته حرکت تحول‌خواهانه جامعه ایران، امری ذومراتب همراه با صورتی سیال و مشکک بوده‌اند. در نتیجه همین امر باعث گردیده است تا در طول ۱۵۰ سال گذشته، هم جنبش‌ها و هم جامعه مدنی در ایران، به صورت يك پروسس در حال شدن، دائماً در حال تکوین و باز تولید مجدد خود باشند.

رابطه نهضت‌های فکری با جنبش‌های عملی در فرایندهای ۱۵۰ سال گذشته حرکت تحول‌خواهانه مردم ایران، يك رابطه دیالکتیکی و متقابل و دو طرفه بین عین و ذهن می‌باشد.

اگر بپذیریم که به همان میزان که بسترهای نظری، بستر ساز تکوین جنبش‌های عملی بوده‌اند، با رویکردی دیگر خود همین جنبش‌های عملی به نوبه خود عامل اعتلای دستاوردهای تئوریک و نظری بوده‌اند.

جامعه مدنی علاوه بر اینکه بازوی اجرائی و بستر دستیابی به عدالت سیاسی یا دموکراسی و آزادی و عدالت اقتصادی یا سوسیالیسم و عدالت معرفتی یا توزیع عادلانه معرفت و آگاهی در جامعه می‌باشد، خود بستر ساز دستیابی به دموکراسی و سوسیالیسم و پلورالیسم پایه‌دار می‌باشد.